



سیر و سیاحت از منظر قرآن؛ از خردورزی تا تفریح و تفرج

آیات الهی در خصوص سفارش انسان‌ها به سیر در زمین که در مواضع متعددی بیان شده، اهدافی مدنظر دارد که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به سیر و سیاحت، نظرکردن، اندیشیدن، خردورزی و افزایش شناخت و ایمان اشاره کرد.

آیات الهی در خصوص سفارش انسان‌ها به سیر در زمین که در مواضع متعددی بیان شده، اهدافی مدنظر دارد که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به سیر و سیاحت، نظرکردن، اندیشیدن، خردورزی و افزایش شناخت و ایمان اشاره کرد.

سیر و سیاحت‌سیر و سفر و سیاحت در دین مبین اسلام با دو رویکرد فلسفی و عرفانی از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. جهانگردی از همان صدر اسلام با دستور هجرت آغاز شد و در آن حدود ۸۵ نفر از جوانان تازه مسلمان شده به دستور پیامبر اسلام (ص) از مکه به حبشه هجرت کردند و به واسطه این سفر، آیین اسلام در آن دیار شهرت یافت. ماهیت سیر و سفر از منظر دین

در جهان بینی اسلامی، جوهره عالم هستی و سنگ بنای آن بر حرکت، سیر و جا به جا به جایی استوار است. این سیر فقط ویژه انسان‌ها نیست و در همه آفرینش جاری و برقرار است. نظام آفرینش همواره در سیر و سفر از مکانی به مکان دیگر، از زمانی به زمان دیگر، از قوه به فعل و از کیفیت به کیفیت دیگر به سر می‌برد. جلوه‌هایی از این حرکت در سیر افلاک، ستارگان، جمادات، نباتات و حیوانات به روشنی قابل درک است.

مقوله حرکت جوهری که به ویژه در آثار ملاصدرای شیرازی مطرح شده، ناظر بر همین حقیقت است. از دیدگاه صدرالمتألهین، حرکت در مقوله جوهر واقع است و سکون به هیچ رو در هیچ بخشی از جهان آفرینش، اعم از انسان، حیوان، گیاه و جماد راه ندارد. همه موجودات نظام خلقت پیوسته در حال حرکت، سیر، دگرگونی و بر تن کردن پوششی تازه از آفرینش هستند، چنانکه در آیه ۱۵ سوره ق چنین آمده است: «مگر از آفرینش نخستین خود به تنگ آمدم. نه، بلکه آن‌ها از خلق جدید در شبیهه‌ها اند.»

خداوند در آیه ۸۸ سوره نمل نیز چنین می‌فرماید: «و کوه‌ها را می‌بینی و می‌پنداری که آنها بی‌حرکتند و حال آنکه آن‌ها ابرآسا در حرکتند. این، صنع خدایی است که هر چیزی را در کمال استواری پدید آورده است. در حقیقت او به آنچه انجام می‌دهد، آگاه است.»

در آیات الهی، سه نوع سیر در نظام هستی مطرح شده است. سیری اختیاری که منظور از آن سیر و سفری است که انسان در زمین و آسمان و براساس خواست، اراده و اختیار خود انجام می‌دهد. دومین گونه، سیر غریزی است که به طور غریزی و فطری در ذات انسان و حیوان نهاده شده و تخلف جانداران از آن محال است. سیر اجباری که به جمادات و نباتات اختصاص دارد، گونه دیگری است که در آن، جماد و نبات نقشی در انتخاب سیر و جهت ندارند و ملزم به حرکت در سیر تعیین شده هستند. اهداف سیاحت و جهانگردی از منظر قرآن

در قرآن کریم برای اشاره به جا به جایی، حرکت و جهانگردی انسان در زمین، واژه‌های متعددی به کار رفته است. سفر، سیر، هجرت، نفر (به معنی کوچ) و سیاحت، تمام واژگان قرآن درباره جابجایی و حرکت انسان است.

آیات الهی در خصوص امر به سیر در زمین که در مواضع متعددی بیان شده، اهدافی مدنظر دارد که در ادامه به شرح بیشتر آن‌ها پرداخته خواهد شد.

از مهم‌ترین اهداف مدنظر قرآن در سیر و سیاحت، نظرکردن، اندیشیدن، خردورزی و افزایش شناخت و ایمان است. نکته قابل توجه در تمام آیاتی که با مضمون امر به سفر، سیاحت و جابه‌جایی نازل شده، آن است که همواره این آیات با فرمان به نظر افکندن همراه هستند. اگرچه این واژه در ظاهر معنای دیدن دارد، اما در واقع به معنای نگاهی عمیق‌تر برای اندیشیدن است. نظرکردنی که در ادامه اندیشیدن و خردورزی باشد، ایجاد شناخت، تقویت ایمان و تسلیم در برابر حق را به دنبال دارد.

در آیات الهی، طبیعت و تاریخ همواره دو منبع مهم شناخت در برابر بشر معرفی شده و آیات مربوط به سیر در زمین، بشر را به تعقل در این دو حیطه فراخوانده است. سیر در زمین و جهانگردی با چشمی گشوده و قلبی آگاه و آماده دریافت معارف در پهنای کتاب تدوین و تکوین، نوعی استقرای توحیدی در پدیده‌های عالم است. این استقرای مبتنی بر روش علمی مشاهده، نظر دقیق و

سیاحت و جهانگردی در مظاهر و جلوه های طبیعی و آثار باقی مانده از پیشینیان، فکر و حواس را به طور همزمان به کار گرفته و تجربه ای عاطفی با اغنای فکری ایجاد می کند که به افزایش شناخت و ایمان بیشتر منتهی می شود؛ مثلاً در آیه ۲۰ سوره عنکبوت، انسان به گونه ای به سیر در زمین فراخوانده می شود تا از راه مطالعه طبیعت و دگرگونی های آن به درک روشنی از مسئله معاد برسد: «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛ بگو در زمین بگردید، پس با تأمل بنگرید که چگونه مخلوقات را آفرید، سپس خدا جهان آخرت را ایجاد می کند، زیرا خدا بر هر کاری تواناست.»

آیات الهی در حوزه کسب شناخت از طریق اندیشیدن در آثار پیشینیان و تمرکز بر دانش تاریخ نیز فراوان است. همه آیاتی که پس از امر به سیر و نظر با عبارت «کیف کان عاقبه...» همراه است، بر همین موضوع دلالت دارد. قرآن کریم از انسان ها می خواهد تا با سیر در زمین و مشاهده آثار به جای مانده از پیشینیان در فرجام آنان بنگرند و ببینند که چگونه این اقوام که در بسیاری از مؤلفه ها، صاحب برتری هایی بودند، در اثر گناه، کفر و ستیزه با حق، از میان رفتند و به سرنوشت دردناکی دچار شدند.

قرآن با دائمی توصیف کردن این جریان، از آن به «سنت الهی» تعبیر می کند. افول و سقوط اقوام و تمدن ها از منظر آیات الهی، همانند ایجاد خلق و آفرینش در طبیعت، دارای قواعدی روشن و شفاف است که سیر و سیاحت در زمین و نظر در آثار به جای مانده از این تمدن ها به استقصای این قواعد منتهی می شود. آیات ۲۵ تا ۲۹ سوره دخان این موضوع را چنین بیان کرده است: «وه چه باغ ها و چشمه سارانی که آن ها بعد از خود بر جای نهادند و کشتزارها و جایگاه &رم؛های نیکو و نعمتی که از آن برخوردار بودند. آری، این چنین بود و آن ها را به مردمی دیگر میراث دادیم و آسمان و زمین بر آنان زاری نکردند و مهلت نیافتند.»

در فرهنگ اسلام، دستاورد سیر و سیاحت در دو حوزه طبیعت و تاریخ، راه یافتن انسان از حرکت در جهان کوچکتر به حرکت در جهانی بزرگتر، از سیر در آفاق به سیر در انفس، از هجرت در برون به هجرت در درون و از سفر در خاک تا سفر به افلاک است. در باب چهل و چهارم رساله قشیریه چنین آمده: «و بدانید سفر بر دو قسم است؛ سفری بر تن و آن از جایی به جایی انتقال یافتن است و سفری با دل و آن از صفتی بر صفت دیگر شدن است. هزاران بینی که به تن سفر کنند؛ اما اندک بود، آنکه به دل سفر کند.»

چنین است که خداوند متعال در کتاب هدایت خویش و در آیه ۵۲ سوره فصلت، نشانه های خود را در آفاق پیش از آیات انفسی ذکر کرده است: «به زودی نشانه های خود را در کرانه ها و اطراف جهان و در نفوس خودشان به آنان نشان خواهیم داد تا برای آنان روشن شود که بی تردید او حق است. آیا کافی نیست که پروردگارت با ظاهرکردن حقایق و دلایل بر همه چیز گواه است که فقط او آفریننده و بی نیاز است و غیر او مخلوق و از هر نظر نیازمند اوست.»

از دیگر اهداف صدور فرمان سیر و سیاحت در دین مبین اسلام، کسب علم و دانش اندوزی است. این سنت که در بین انسان های شیفته مرسوم بود، با ظهور اسلام و تشویق مسلمانان به دانش پروری رواج بیشتری یافت. صدور روایت پیامبر اکرم(ص) با مضمون «اطلبوا العلم ولو بالصین؛ دانش را کسب کنید، ولو با سفر به چین»، به خوبی نمایانگر اهمیت سیاحت و جهانگردی برای کسب دانش به منظور رشد، ارتقا و پیشرفت جامعه اسلامی است.

یکی دیگر از اهداف سفر در اسلام، انجام صله رحم است. رسول اکرم(ص) در این خصوص می فرماید: «هر که را از اتم که شاهد و غایب است و هر که را تا روز قیامت در صلب های مردان و رحم های زنان است، به صله رحم سفارش می کنم. هرچند میان ایشان یک سال فاصله مسافتی باشد؛ چرا که این امری از دین است.»

در آموزه های دینی، اکتساب معیشت و روزی، همواره یکی از معروف ترین دستاوردهای سفر مطرح شده است. در طول تاریخ، بشر همواره برای کسب روزی، رنج سفر را بر خود هموار می کرده و قرآن کریم به مثابه کتاب زندگی نیز به تأیید این سنت پرداخته است. در دیدگاه قرآن، یکی از راه های کسب روزی حلال، سیر و سفر و ترک دیار محسوب می شود؛ مثلاً خداوند در آیه ۱۵ سوره ملک و ۱۴ نحل، ایجاد امکانات مورد نیاز برای سفر و جابه جایی را به خود نسبت داده است و نتیجه مورد انتظار از جهانگردی را تقویت حس شکرگزاری در انسان می داند: «هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ ذَلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاطِئِهَا وَكُلُوا مِن رِّزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ؛ اوست کسی که زمین را برای شما رام گردانید، پس در فراخانی آن رهسپار شوید و از روزی خدا بخورید و رستاخیز به سوی اوست.»

«وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِيَتَأْكَلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حَبْلًا مِّنْهُ وَلِيَسْتَوِثَّوْهَا وَتَرَى الْفُلْكَ مَوَاجِرَ فِيهِ وَلِيَبْتَلِيَكُمْ مِنْ قَضِيَّتِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ؛ و اوست کسی که دریا را مسخر گردانید تا از آن گوشت تازه بخورید و پیرایه &رم؛ ای که آن را می پوشید، از آن

بیرون آورید و کشتی‌ها را در آن شکافنده آب می‌بینی تا از فضل او بجویید و باشد که شما شکرگزار باشید.»

تفریح و تفرج که از نیازهای طبیعی انسان شمرده می‌شود نیز یکی دیگر از اهداف سفر در دین مبین اسلام شناخته شده است؛ مثلاً در نقل روایتی از امام رضا(ع) به این نکته اشاره شده که ایشان برای تفریح به سوی تفرجگاه از منزل بیرون می‌شدند.
سفر و ادبیات

سفر و جهانگردی در فضای ادبیات غنی ایران زمین، سبب کسب هویت، شرافت و برتری در میان هم‌نوعان می‌شود. اقبال لاهوری تمامی موجودیت و هویت انسانی را در گرو رفتن و سفرکردن دانسته و چنین سروده است: «ساحل افتاده گفت: گرچه بسی زیستم/ هیچ نه معلوم شد، آه که من کیستم؟/ موج ز خود رفته ای، تیز خرامید و گفت/ هستم اگر می‌روم، گر نروم نیستم.»

سعدی شیرازی، شاعر جهانگرد و پرآوازه ایرانی، بیشتر زندگی خود را در سفر گذراند و به جرئت می‌توان ادعا کرد که شخصیت برجسته او تا حد زیادی ساخته و پرداخته همین سفرهایی ست که در آن‌ها شرق و غرب عالم را درنوردید. او باور دارد میان انسانی که سفر نکرده و کمال انسانی، فاصله دور و درازی است: «اگر پارسایی سیاحت نکرد/ سفرکردگانش نخوانند، مرد.»

انوری نیز به همین نکته اشاره می‌کند: «سفر مریی مرد است و آستانه جاه/ سفر خزانه مال است و اوستاد هنر/ به شهر خویش درون بی خطر بود مردم/ به کان خویش درون بی بها بود گوهر.»

سیاحت و جهانگردی در ادبیات فارسی زبانان که برگرفته از آموزه‌های دینی است، علاوه بر ایجاد کمال در انسان و تقویت جنبه‌های فردی، به لحاظ اجتماعی نیز نقش مهمی در توسعه و پیشرفت زیست بشری دارد. حرکت آگاهانه و هدفمند انسان‌ها در زمین که گاه به شکل سفر و سیاحت و گاه در معنایی عمیق‌تر، به شکل هجرت صورت می‌گیرد، همواره در ایجاد و گسترش تمدن‌های انسانی نقش اساسی ایفا کرده است.

اگر ادیان الهی مهم‌ترین نقش را در طول تاریخ بشر در ایجاد تمدن‌های بزرگ داشته‌اند، همواره در پی هجرت و حرکت پیامبران و اولیای عظیم‌الشأن بوده است. مولانا در یکی از اشعار خود، موضوع سفر رسولان الهی را به زیبایی چنین به نظم درآورده است: «نگر به یوسف کنعان که از کنار پدر/ سفر فتادش تا مصر و شد شه والا/ نگر به موسی عمران که از بر مادر/ به مدین آمد و زان سیر گشت او مولا/ نگر به عیسی مریم که از دوام سفر/ چو آب چشمه حیوانست محیی موتا/ نگر به صورت خضر و بصیرت الیاس/ که یافتند ز سیر آن حیات روح افزا/ نگر به احمد مرسل که مکه را بگذاشت/ کشید لشکر و بر مکه گشت او والا.»

الهه سادات بدیع زادگان